

از مبارزه برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری پشتیبانی کنیم!

بقیه از صفحه اول

طبقه کارگرایان چه در زمان شاه و چه پس از آن در دوره حکومت جمهوری اسلامی از داشتن حق تشکل مستقل محروم بوده و امروز نیز محروم است. در جریان انقلاب و در پی برچیده شدن بساط سلطنت، بخش قابل توجهی از کارگران در نهادها و شوراهای کارگری متشکل شدند. هنوز حکومت بر بارگاه قدرت جا خوش نکرده بود که تهاجم به این نهادها آغاز و فعالان آنها دستگیر و بعضاً به جوخه مرگ سپرده شدند. همزمان با متلاشی شدن نهادها و شوراهای کارگری، حکومت ایجاد انجمن های اسلامی کارخانجات و " شوراهای اسلامی کار " را در دستور کار خود قرار داد و این مجموعه را زیر چتر " خانه کارگر " گرد آورد و به عنوان تنها تشکل موجود کارگری معرفی نمود. شوراهای اسلامی کار به عنوان هسته اصلی خانه کارگر تا کنون به مثابه ارگانی حکومتی به صورت باندهای سیاه در جهت سرکوب و فریب کارگران به میدان آمده و در چارچوب نهادی سیاسی - ایدئولوژیک و وابسته به حکومت عمل کرده است. این تشکل به ظاهر کارگری، از ابتدای شکل گیری تا کنون نتوانسته است هیچگاه حتی به سطح سندیکاهای زرد برسد. سیاست جمهوری اسلامی نیز همواره این بوده است که از تجمع مستقل و وسیع کارگران، حتی از ایجاد همین " شوراهای اسلامی " و تشکیل " انجمن های صنفی " کارگری - که در قانون کار خود رژیم حق ایجاد آن پذیرفته شده است - در واحدهای بزرگ تولیدی و خدماتی جلوگیری نماید.

جمهوری اسلامی از بدو پیدایش تا امروز عملاً دست در دست کارفرمایان سیاست تهاجمی علیه کارگران را پی گرفته است. این رژیم شرایط کار را روز به روز سخت تر و بیخس بزرگی از مزایای شغلی مزدبگیران را حذف کرده است. از حدود ۱۵ سال پیش، با آغاز اجرای سیاست های " تعدیل اقتصادی " فشار بر کارگران و سایر مزدبگیران نیز تشدید شده است: اخراج و تهدید به اخراج و فقدان امنیت شغلی در شرایطی که حجم بیکاری ابعاد

بی سابقه ای پیدا کرده افزایش چشم گیری داشته است، قراردادهای موقت، حتی در مورد مشاغل که عرفاً و قانوناً دائمی محسوب می شوند رواج بیشتری یافته است، خارج کردن گروههای میلیونی کارگران از شمول قانون کار و تامین اجتماعی حتی در حد همان حقوق محدودی که این قوانین برای کارگران در نظر گرفته اند یکی دیگر از سیاست های کارگرسنیز حکومت بوده است. نمونه این سیاست ضد کارگری در رابطه با کارگران واحدهای کمتر از پنج نفر و سپس واحدهای زیر ده نفر و بعد کارگاه های صنفی و کارگاههای قالببافی و به اجرا درآمده است. افزون بر این ها با اجرای چهارمین برنامه اقتصادی دولت و طرح هائی که هم اکنون در مجلس در دست بررسی و تصویب است، اکثریت وسیع کارگران، و بویژه کارگران موقت، از حداقل حمایت و تامین اجتماعی محروم خواهند شد.

در چنین شرایطی مدیران و کارفرمایان حتی از پرداخت اندک حقوق و دستمزد ماهانه کارگران شاغل هم طفره می روند. از اینرو اعتراض علیه حقوق معوقه به صورت یکی از اعتراضات جاری کارگران در اقصی نقاط کشور، و در واحدهای خصوصی و دولتی، در آمده است.

دفاع از حق تشکل آزاد و مستقل کارگران، در واقع به معنی دفاع از حق کارو حیات طبقه کارگر ایران است. نیروی کار و زحمت کشورمان با احقاق این حق ابتدائی است که خواهند توانست در برابر تهاجمات دولت و شرکای سرمایه دار آن مقاومت کرده و به دفاع از دیگر حقوق انسانی و صنفی خود بر خیزند. ایجاد و گسترش تشکل های مستقل و آزاد کارگری، به عنوان عامل مهمی در دفاع از حقوق اجتماعی و سیاسی مردم عمل کرده می تواند در پیوند متقابل با دیگر تشکلهای صنفی و اجتماعی، خصوصاً تشکلهای دانشجویان، زنان، نویسندگان، روزنامه نگاران، معلمان و... نقش اساسی در تحول دموکراتیک جامعه ایفا نماید.

سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران که همواره بر ضرورت و اهمیت تشکل های مستقل صنفی و اجتماعی، بویژه تشکل های دموکراتیک و مستقل کارگران تاکید کرده است از هرگونه تلاش و مبارزه جمعی در این راستا استقبال می کند.

صدور بیانیه اخیر کارگران که در دفاع از برسمیت شناختن و ایجاد تشکل های مستقل کارگران و زحمتکشانشان تنظیم شده است و همچنین شکل گیری " کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد

کارگری در ایران " اقدام مثبتی است که می بایست از آن پشتیبانی کرد. ما به سهم خود می کوشیم که برای جلب و حمایت از این خواست ابتدائی اما اساسی کارگران، در داخل و خارج کشور، تلاش کنیم.

کارگران کشورمان در پیکار و مبارزه روزمره خود، بدون شک قادرند اشکال مناسب تشکل های صنفی را در سطح واحدها و کارگاه ها، رشته های صنفی و حرفه ای و یا در سطح محلی و منطقه ای پیدا کنند و طبعاً تجارب گذشته جامعه ما و دیگر جوامع را نیز مد نظر قرار خواهند داد. اما آنچه خصوصاً در این مرحله اهمیت اساسی دارد، مستقل بودن و مستقل ماندن این گونه تشکل ها از اعمال نفوذ احزاب و سازمانهای سیاسی و دستگاه ها، نهادها و جریانهای دولتی و حکومتی است. ما بر این باوریم که طرح و بیان اراده و خواسته های جمعی کارگران و تعیین نمایندگان آنها می بایست به شکل آزاد و دموکراتیک توسط خودشان بدون دخالت دیگران صورت پذیرد.

حرکتی که آغاز شده است برای گسترش و دستیابی به اهداف خود، نیازمند جلب تعداد هرچه بیشتری از کارگران و فعالان کارگری به ویژه در واحدهای بزرگ صنعتی و خدماتی است. ادامه این حرکت در پیوند تنگاتنگ با حرکات و اعتراضات جاری کارگران و سایر مردم کشورمان می تواند به موفقیت هائی دست یابد.

جمهوری اسلامی با شکل گیری حرکات صنفی و سیاسی مستقل و آزاد مردم مخالف است و با آن دشمنی دیرینه داشته و دارد. این حکومت بنا به سابقه سیاه و تاریکش، طبعاً تلاش خواهد کرد که با توسل به سانسور و فشار و سرکوب، این حرکت جسورانه را هم خاموش و متوقف کند. اما مجموعه تناقضات درونی خود حکومت، بی اعتباری اش در میان مردم و فشارهای جهانی دست او را برای برکشیدن تیغ به میزان زیادی بسته است. علیرغم این، خطر مقابله حکومت با حرکت فعالان کارگری را نمی توان نادیده گرفت. از اینرو ما خود را موظف می دانیم که دوشادوش و در کنار کارگران و مردم کشورمان ضمن مقابله با سیاست های سرکوب گرانه رژیم جمهوری اسلامی، از حقوق دموکراتیک و انسانی کارگران برای دستیابی به خواسته های شان، قاطعانه دفاع کنیم.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران